مدیریت شهری
شماره ۵۲ پاییز ۱۳۹۷
No.52 Autumn 2018
۲۱۹-۲۲۹
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۳/۲۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱

بررسی نحوه جبران خسارات قابل مطالبه جانبازان و معلولان ناشی از عدم مدیریت مناسب سازی محیط شهری

مصطفی واحد شیرتری- دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
علیرضا حسنی - استادیار، گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران
مریم آقائی بجستانی- دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

چکیده

انسان‌ها همیشه از تبعیض و بی‌عدالتی رنج برده‌اند و رفع این بی عدالتی‌ها یکی از مهم ترین وظایف علم حقوق تلقی می‌شده است. شهروندی وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار بوده و به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی، دسترسی آسان داشته باشند. گروه‌هایی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه همانند معلولین و جانبازان همواره به خاطر شرایط و موقعیت خود و عدم دسترسی به بسیاری از اماکن و همچنین نبود مناسب سازی منطقی محیط زندگی، از دستیابی کامل به حقوق‌شان محروم مانده‌اند. بدین جهت، اسناد و قوانینی در سطح بین‌المللی و داخلی بتصویب رسیده که به شکلی خاص حقوق این گروه از افراد را مورد تأکید و حمایت قرار داده است. بدیهی است منظور از تدوین و تصویب چنین اسنادی، دادن امتیازی خاص و حقوقی ویژه به این افراد نبوده، بلکه اتخاذ راهکاری مناسب جهت پشتیبانی از معلولین وجانبازان برای نیل به حقوق برابر و کامل می‌باشد. در این میان آن چه مهم است برخورد حقوقی با این موضوع است و نه برخوردی از سر ترحم، دلسوزی و اعطای صدقه. در زمینه بحث مهم مناسب سازی محیط زندگی معلولان و جانبازان باید اذعان نمود که دستیابی به محیط مسکونی و شهری بدون مانع برای معلولان به صورت یک آرزوی دست نیافتنی جلوه گر بوده و علیرغم این که در برخی شهرها و اماکن اقدامات مثبتی در راستای تحقق امر فوق صورت گرفته، اما هنوز هم معماران و شهرسازان نگاهی به معلولان حاضر در جامعه ندارند. این موضوع در تمام بخش‌های ارائه دهنده خدمات به نوعی ملموس و مشهود می‌باشد. بنابراین مسئله مهمی که در این مقاله آن را بررسی نمودیم نحوه جبران خسارات قابل مطالبه جانبازان و معلولان، ناشی از عدم مدیریت مناسب سازی محیط شهری است که اهمیت مناسب سازی محیط در زندگی معلولان و جانبازان و مسئولیت مدنی ایجاد شده بر اثر آن را نشان می‌دهد. در این تحقیق دریافتیم که این اشخاص با استناد به مبانی فقهی و قانونی، حق دریافت سه دسته از خسارات یعنی مادی، معنوی و جسمانی را دارند و علاوه بر استفاده از طرق معمول جبران خسارات یعنی اعاده وضع به حالت پیش از بروز خسارت و نیز دریافت دیه، می‌توان چنانچه خسارات وارده بیش از میزان تعیین شده به عنوان دیه باشد جانی را مجبور نمود که از عهدهٔ آن خسارات به عنوان مازاد بر دیه نیز برآید.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، معلول، جانباز، حقوق معلولان، خسارات، مناسب سازی، محیط شهری

Review how to compensate veterans and the disabled from the lack of effective management of the urban environment.

Abstract

Human beings have always suffered from discrimination and injustice and the elimination of these injustices is considered one of the most important tasks of law. Citizenship is realized when all people have a community of all civil and political rights and easy access to opportunities in life in terms of economic and social. Groups of vulnerable groups of society, like the disabled and sacrifices, have always been deprived of full access to due to its conditions and status and lack of access to many places as well as the lack of adaptations for living environment. In this regard, there has been a strong internal and international level of law which has specifically emphasized and supported the rights of this group of individuals. It is evident that the purpose of this document is not to give special and special privileges to these individuals, but adopting a suitable approach to support the disabled for achieving equal and equal rights. In the meantime, what is important is the legal encounter with this issue, not a clash of pity, compassion and charity. In the context of an important discussion of the life environment of the disabled and veterans, it must be acknowledged that access to the residential and urban environment without hindrance to the disabled is an elusive dream, and despite the fact that in some cities and places some positive actions have been made to fulfill the above agenda, but still architects and do not look at the disabled in society. This is tangible and tangible in all sectors of service provider. Therefore, the important issue we have discussed in this paper is how to compensate the sacrifices of veterans and the disabled, due to the lack of adaptations in the urban environment, which shows the environmental significance of the environment in the lives of the disabled and the veterans and the civil liability caused by it. in this study, we found that according to jurisprudence and law, these people have the right to receive three categories of damages that are physical, spiritual and physical, and in addition to the use of normal means to compensate for damages to the condition before the loss of damages and the loss of blood, it can be used as a loss of loss to the loss of blood.

Keywords: civil liability, disabled, rights of the disabled, Damage, urban environment

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۳۲۵۸۱۸؛ رایانامه: alireza332@yahoo.com

بخش اول: تعریف مفهومی معلول و جانباز

این بخش شامل دو مبحث است.

مبحث اول: تعریف مفهومی معلول

کلمه معلول اسم مفعول از واژه علت است. به فردی که به هر علت دچار نارسایی جسمی یا ذهنی شده است، معلول می‌گویند (رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۲۸). در زبان‌های لاتین مانند فرانسه و انگلیس از واژه «هندیکپ»[1] استفاده می‌شود. اصطلاح هندیکپ، نسبتاً جدید بوده ریشه در زبان انگلیسی دارد. در اصل از عبارت (هند – این – کپ)[2] به معنای «دست در کلاه» ریشه گرفته است (رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۲۹). این اصطلاح، در قرن هفدهم به نوعی بازی اطلاق می‌شد که شرکت‌کنندگان در آن با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند. جایزه فرد برنده را داور تعیین می‌کرد و در کلاهی گذارده می‌شد. بعدها این اصطلاح در اسب‌سواری به کار برده شد و در ادامه، به طور کلی‌تر در ورزش مورد استفاده قرار گرفت. در این معنا، هندیکپ رقابتی است که در آن به تمامی شرکت‌کنندگان، بختی برابر برای برنده شدن از طریق گذاشتن باری سنگین بر دوش قوی‌ترین‌ها یا طی مسیری طولانی‌تر توسط آنان، اعطا می‌شود. در واقع، این افراد قوی‌تر بودند که تغییری را می‌پذیرفتند تا آنکه رقابت، دارای معنای واقعی و جاذبه شود.

لازم به توضیح است واژه معلولیت را باید نزدیک به اصطلاح ناتوانی دانست.در واقع،ناتوانی یک اصطلاح نسبی است (مانعی در برابر انسان برای انجام یک فعالیت به شکل طبیعی آن) تا سال ۱۹۸۰، بیشتر از آن که از اصطلاح ناتوانی استفاده شود از واژه ی معلولیت استفاده می‌شد. عمده ترین دلیل به تعریف ناتوانی برمی گشت که آن را در بی‌کفایتی و عدم استقلال فرد معلول در انجام فعالیتهای روزمره زندگی، اشتغال، آموزش و زندگی مستقل می‌دانستند (کمالی و فریبا، ۱۳۸۲، ص ۹۷). گاهی نیز ناتوانی و معلولیت را بر اساس محدودیت عملکردی با محدودیت فعالیتی تعریف کرد اند.این محدودیت‌ها به صورت کاهش ویژه در فعالیت‌های روزمره، نسبت به سطح فعالیت قبلی فرد تعریف می‌شود (میرخانی، ۱۳۸۵، ص ٤٤).

این پرسش مطرح است که آیا یک فرد معلول، دارای توانایی بیشتر از دیگران است؟ در پاسخ باید گفت که معنای موردنظر به شدت به دور از مفهوم کنونی این اصطلاح است. اندک اندک هندیکپ، به عنوان افرادی که از موهبتی محرومند، جا افتاد. به عبارت دیگر، به کسی اطلاق می‌شود که دچار نقص یا کاستی باشد. پس در مفهوم کنونی بدان معنا نیست که فرد معلول بهترین است و به خاطر اینکه به سطح سایرین برسد باید از توانایی‌اش کاسته شود. برعکس، فردی است که توانایی‌اش از سطح دیگران پایین‌تر است. معلولیت اصطلاحی است که از آن این معنا به ذهن خطور می‌کند: موقعیت‌های متعددی که علل آنها متفاوت بوده و دارای اثر واحدی هستند. در زبان متداول امروزی به عنوان نقصان، عدم سلامت، عدم توانایی، نابینایی، فلج بودن، ضعف، جنون، قطع عضو، اختلال کلامی، لالی، ناشنوایی و نیمه شنوایی به کار می‌رود.

با توجه به مطالب بیان شده، معلولیت را می توان به عنوان نقصان جسمی یا ذهنی و یا نتیجه آن، تعریف کرد. معلولیت بیش از هرچیز به عنوان یک ویژگی و وضعیت خاص مطرح است. به منظور دستیابی به همین جنبه بود که طبقه‌بندی بین‌المللی معلولان، مصوب در سال ۱۹۸۰ به کنار نهاده شده و طبقه‌بندی بین‌المللی کارکردی در تاریخ ۲۲ مه ۲۰۰۱ جایگزین آن گردید. انتقاد عمده‌ای که به طبقه‌بندی سابق وارد می‌آمد، آن بود که نسبت به جنبه اجتماعی معلولیت غفلت ورزیده بود و بیشتر در آن تمرکز بر جنبه زیست‌شناختی بود.

نگرشی که در طبقه‌بندی جدید پذیرفته شده، مثبت‌تر است. بدین‌معنا که تفاوت‌های میان یک فرد با دیگران از حیث کارکرد انسانی مدنظر قرار می‌گیرد، نه بر اساس وضعیت سلامت آنها، بدین‌ترتیب، معلولیت، به عنوان یک پدیده و فرآیند اجتماعی شناخته شده و الگوی پزشکی به کناری نهاده می‌شود (آرمیده، ۱۳۹۲، ص ۷۱). دیگر، معلولیت نه تنها به عنوان دشواری مربوط به سلامت فرد انگاشته نمی‌شود، بلکه زاییده اجتماع بوده و هم او باید آن را ترمیم کند. جامعه باید از طریق مناسب سازی منطقی، موانع در مسیر فعالیت و کارایی افراد دارای وضعیت خاص را بر دارد. باید متذکر شد که هر چند با مناسب‌سازی منطقی محیط زندگی معلولان و جانبازان، می‌توان بسیاری از معضلات تردد و دسترسی معلولان را کاهش داد اما نباید خوش‌باورانه پنداشت که معلولیت فرد

1. Handicap
2. Hand-in- cap

از بین رفته است.

مبحث دوم: تعریف مفهومی جانباز

جانباز به معنی جان‌بازنده (باز= بن‌مضارع فعل باختن) و اصطلاحاً کسی که با جان خود بازی کند و آن را در معرض خطر اندازد می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ٥٦٧). جان‌بازی را انجام کاری با عشق و توأمان یا همراه با عقل می‌خوانند و این به منظور انجام کار بدون تفکر نیست. اینگونه کسی که برای چیزی یا کاری جان خود را فدا می‌کند جان‌باز نام می‌گیرد. علی‌اکبر دهخدا برای بهتر بیان نمودن کلمه جانباز، ابتدا کلمه جان باختن را بیان می‌کند و در این باره می‌گوید:«جان را از دست دادن، جان را در راه کسی یا چیزی فدا کردن،جان دادن و مردن» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ٥٦٦).

بخش دوم: مفهوم مناسب سازی محیط زندگی معلول و جانباز

طی چند دهه اخیر، جنبش حقوق معلولان، موجب اقداماتی در جهت رفع موانع گوناگون در مسیر تردد و مشارکت اشخاص معلول شده است. در کشورهای مختلف قوانینی به منظور حمایت از حقوق معلولان به تصویب رسیده است که یکی از اهداف مهم آن قوانین، مناسب سازی متعارف و قابلیت دست‌یابی محیط برای اشخاص معلول بوده است. اوج این حرکت در عرصه جهانی، تصویب کنوانسیون بین‌المللی «حقوق افراد دارای معلولیت» در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰٦ بود. در این قوانین و مقررات، دولت‌ها، بخش‌های عمومی و گاه اشخاص خصوصی، متعهد به مناسب سازی محیط اعم از شهرها، روستاها، ساختمان‌ها، تجهیزات، وسایط حمل و نقل عمومی، محیط‌های شغلی و... جهت دستیابی سهل و آسان معلولان شده‌اند (دبیرخانه ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب سازی محیط فیزیکی افراد معلول، ۱۳۸٦، ص ٦٥).

به طور کلی باید گفت این قوانین، یک هدف بنیادین را که همانا مبارزه علیه تبعیض ناروا نسبت به اشخاص معلول است، تعقیب می‌کنند. در ماده دو کنوانسیون مزبور، تبعیض بر پایه‌ی معلولیت، اینگونه تعریف شده است: «هرگونه تمایز، استثنا و یا محدودیت بر پایه معلولیت که هدف و تأثیر آن لطمه زدن یا نفی شناسایی، بهره‌مندی یا اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بر مبنای تساوی با دیگران در عرصه مدنی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و یا هر زمینه دیگر می‌باشد. این مورد همچنین دربرگیرنده تمامی اشکال تبعیض از جمله نفی مناسب‌سازی منطقی نیز می‌گردد» (رسولی، ۱۳۹۰، ص ۵۷).

در خصوص بحث مناسب‌سازی محیط که محور اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد،به طور کلی باید گفت که محیط اجتماع باید به گونه‌ای طراحی شود که معلولان و جانبازان بتوانند به سادگی و همانند اشخاص سالم به فعالیت‌های مختلف بپرازند. حقیقت آن است که می‌توان با بهینه‌سازی محیط شهرها، اماکن عمومی و خصوصی و نیز وسایل حمل‌ونقل عمومی، فرد دچار معلولیت را تبدیل به انسانی سالم کرد.کنار نهادن تبعیض اعمالی علیه معلولان، مستلزم به کارگیری نوعی تبعیض مثبت به نفع آنان است. اگر پارک اتومبیل‌ها در کنار خیابان‌ها و مراکز پررفت و آمد، موجب ایجاد دشواری و مشقت برای معلولانی که از خودروی شخصی استفاده می‌کنند می‌شود، باید با ایجاد محل‌های پارک مخصوص در مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین موقعیت به مراکز مهم، برای معلولان و منع سایر رانندگان از بهره‌گیری از این محل‌های پارک، موجب دسترسی بهتر افراد معلول به این اماکن شد.

از مصادیق دیگر تبعیضات مثبت در جهت برقراری تعادل و برابری میان معلولان و اشخاص عادی جامعه، می‌توان به تعبیه مسیرهای معین برای عبور و مرور اشخاص در صندلی چرخدار و دادن اجازه به نابینایان در به همراه داشتن سگ راهنمای خویش هنگام ورود به اماکن عمومی اشاره نمود و این در حالی است که افراد عادی از چنین امکاناتی برخوردار نیستند» (علوی و کابلی، ۱۳۸۲، ص ٤٦). شایسته است در این جا اصطلاح «مناسب‌سازی» تعریف گردد. کنوانسیون بین‌المللی، راجع به اشخاص معلول (مصوب دسامبر ۲۰۰٦) مناسب‌سازی را در ماده دو خود اینگونه تعریف می‌کند: «سازگاری و تغییرات مقتضی و ضروری که تکلیف و باری بی‌مورد و نامتناسب را تحمیل ننموده و حسب نیازمندی‌ها در مورد خاص، بهره‌مندی و اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را برای افراد دارای معلولیت در شرایط برابر با سایرین تضمین می‌نماید.»

در بند الف ماده یک آیین‌نامه اجرایی ماده دو قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران، مناسب‌سازی اینگونه تعریف شده است: «اصلاح محیط و تدارک وسایل حمل و نقل، به طوری که افراد معلول قادر باشند که

آزادانه و بدون خطر در محیط پیرامون خود اعم از اماکن عمومی، معابر، محیط شهری و بین‌شهری و ساختمان‌های عمومی حرکت کنند و از تسهیلات محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با حفظ استقلال فردی لازم بهره‌مند شوند.»

بخش سوم: نحوه جبران خسارات قابل مطالبه توسط جانبازان و معلولان ناشی از عدم مدیریت مناسب سازی محیط شهری

یکی از موارد مهمی که فرد معلول و جانباز، زیان دیده واقع می‌شود، مربوط به عدم مدیریت مناسب‌سازی ساختمان‌ها، خیابان‌ها و اماکن عمومی یا خصوصی است. با توجه به تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در تاریخ ۸۳/۲/۱۶ که دولت و سایر اشخاص را ملزم به مناسب‌سازی محیط جامعه جهت معلولان ساخته است می‌توان برای اشخاصی که از این تکلیف قانونی و اخلاقی تخطی می‌نمایند قائل به مسئولیت مدنی بود. بنابراین در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از عدم مناسب سازی محیط زندگی معلولان و جانبازان مهمترین عنصری که باید برای رجوع زیان دیده به فاعل فعل زیانبار در نظر گرفته شود،وجود ضرر و زیان است. البته برای این نوع ضرر می‌توان مصادیق مهمی را در نظر گرفت که مهمترین آن بروز آسیب‌های جسمی است که ممکن است به دلیل عدم مناسب سازی محیط و در نظر نگرفتن نوع طراحی ساختمان‌ها و معابر عمومی حاصل گردد و منجر به مصدومیت فرد معلول و جانباز گردد.در نتیجه ضرر در این نوع مسئولیت مدنی، نقش مهمی در اثبات مسئولیت مدنی دارد. همچنین درباره فعل زیانباری که ناشی از عدم مناسب سازی محیط است بر طبق قانون جامع حمایت از حقوق معلولان که می‌گوید: «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمانها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آنها برای‌معلولان همچون افراد عادی فراهم گردد.» در می‌یابیم که هر گاه سازمان‌های مزبور از انجام وظیفه قانونی خود پیرامون مناسب نمودن و در دسترس قراردادن ساختمان‌ها و اماکن فوق برای استفاده معلولان غفلت ورزند و از این حیث به معلولان و جانبازان،آسیبی وارد گردد می‌توان با استناد به ماده فوق،فعل زیانبار سازمان و نهاد مزبور را محرز و مسلم دانست.

اما آن چه در این تحقیق برای ما حائز اهمیت است بررسی این مسئله است که حال که دریافتیم مسئولیت مدنی ناشی از عدم مناسب سازی محیط زندگی جانبازان و معلولان با احراز ارکان مسئولیت مدنی قابل اثبات است، چگونه و تحت چه شرایطی می‌توان خسارات وارده از این طریق را جبران و اقدام به مطالبه خسارت نمود؟

بنابراین در این بخش،طی دو مبحث سعی می‌شود به بررسی جبران خسارات معلولان بپردازیم وعلاوه بر بحث در مورد انواع خسارات وارده قابل مطالبه توسط افراد معلول و جانباز، به شیوه‌های جبران آن نیز خواهیم پرداخت. همچنین بررسی می‌کنیم آیا میتوان علاوه بر دیه خسارات مازاد بر دیه را نیز جهت این اشخاص دریافت نمود؟ در این میان نظرات موافق ومخالف را در بین فقها ونیز حقوقدانان مورد کنکاو قرار می‌دهیم.

مبحث اول: اقسام خسارات قابل مطالبه وارده به معلولان و جانبازان

آنچه در این مبحث مدنظر است این است که چنانچه یک فرد معلول یا جانباز به یکی از دلایل مختلفی که از عدم مناسب سازی محیط ناشی می‌شود مثلا در اثر عدم مناسب سازی وسایل حمل ونقل عمومی جهت معلولان، دچار زیان گردد و از این بابت متحمل خساراتی گردد این خسارات تا چه محدوده‌ای به وی تعلق می‌گیرند؟ در واقع خسارات وارده به فرد معلول،شامل کدام یک از انواع خسارات می‌گردد؟ برای پاسخ به سئوال مذکور ناچاریم نگاهی به انواع و اقسام خسارات قابل مطالبه بیندازیم.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۷۱ به ضرر مادی و معنوی تصریح دارد و در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز آمده است: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» به گفته یکی از نویسندگان زیان به زیان مادی، زیان معنوی و ضررهای جمعی تقسیم می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۲٤٤). به هر حال تلاش داریم اقسام خسارات وارده به معلولان را در ۳ گفتار تبیین نماییم.

گفتار اول: خسارات مادی

مراد از ضرر مادی، هر کاستی و نقصانی است که بر مال یا حقوق مالی شخصی بر خلاف میل و اراده‌ی او توسط دیگری وارد شود. مثلاً آتش زدن اتومبیل دیگری یک ضرر و نقصان مادی است که در دارایی او ایجاد شده است. برای تحقق زیان مادی لازم نیست که زیان دیده مالک مال باشد، بلکه اگر حق مالی هم نسبت به آن مال داشته باشد، ضرر محقق می‌شود (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱، ص ٦٣). ضرر مالی و بدنی یا همان ضرر مادی در مقابل ضرر معنوی استعمال می‌شود. ضرر مادی به صورت ضرر موجود و ضرر آینده و ضرر محتمل الوقوع، دیده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ٤١٦). در خصوص ضرر مادی باید از مواردی از قبیل تلف یا نقصان عین، تلف منفعت عین و محرومیت از سود قابل وصول نام برد.

اما در خصوص مهمترین مصادیق ضرر مادی در مسئولیت مدنی ناشی از عدم مناسب سازی محیط زندگی معلولان باید اذعان داشت، هم چنانکه ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز بیان داشته است، لطمه به جان یا سلامتی، در این نوع مسئولیت به وضوح تعیین کننده است و وجود این لطمه می‌تواند در انواع مختلفی جلوه گر شود.

لازم به توضیح است ضرر مادی گاه ممکن است موجب آسیب رسیدن به اموال شخص گردد به نحوی که مال یا تلف شده یا دچار عیب و نقصان گردد. حال تصور کنیم فردی معلول در اثر عدم مناسب‌سازی، کنترل خود را از دست داده و شیء متعلق به او به زمین بیفتد و دچار عیب و نقص گردد. این مورد، فرضی آکادمیک و بعید نیست. شخص نابینایی را می‌توان تصور نمود که به علت عدم گذاردن نرده در مقابل سطح مرتفع، به زمین خورده و به یکی از اموالش به طور مثال رایانه قابل حملش آسیب برسد. جدا از این موارد، ممکن است آسیبی بدنی به شخص معلول وارد آید. اشخاص دچار معلولیت‌های حسی به ویژه نابینایان، بیشتر از هر گروه دیگری در معرض خسارات مادی از این دست هستند. به طور مثال، در اثر گودبرداری جهت ایجاد بنا و عدم تعبیه موانع هشداردهنده، نابینایی به درون آن سقوط می‌کند. یا ممکن است شرکت گاز، آب، برق و یا مخابرات برای انجام عملیات لوله‌گذاری یا کابل‌کشی، زمین را حفر کند و بدون توجه به اینکه در این جامعه، اشخاص دچار آسیب بینایی تردد می‌کنند، هیچ علامت هشداردهنده‌ای قرار ندهد. این‌ها همان مثال‌های ملموس و عینی جامعه ایران است که امری ناآشنا و غریب نیست. مثال دیگر در این رابطه بر می‌گردد به عدم مناسب سازی ورودی ساختمان‌های اداری که منجر می‌شود فرد معلولی که با ویلچر تردد می‌کند به دلیل عدم وجود رمپ در ورودی این اماکن که متاسفانه هنوز در بسیاری از اماکن عمومی شاهد آن هستیم مجبور به تردد از پلکان ورودی با ویلچر گردد.در این موارد معلول یا جانباز باید با کمک فرد ثالثی مسیر پلکان را با ویلچر طی نماید که می‌تواند برای او ایجاد ضرر و زیان مادی و جسمانی نماید و توام با مشقات فراوان باشد.

گفتار دوم:خسارات معنوی

مقصود از خسارت معنوی آسیب‌های روحی و روانی، درد ویا رنج یا زیان به آبروی اشخاص است که به طور محسوس ومادی در بیرون قابل احساس ودرک نمی باشد. همانگونه که در برخی منابع فقهی آمده است در صدق عنوان ضرر وخسارت بر آسیب معنوی جای تردید نمی باشد.چنانکه بر اهتمام شارع مقدس نسبت به جلوگیری از زیانهای معنوی جای شبهه نیست.قلب مومن عرش الهی است (لایسعنی ارضی ولاسمانی ولکن یسعنی قلب عبدی المومن). شان صدور روایت در حدیث لاضرر، خسارت معنوی بود که از سوی سمره بن جندب برانصاری وخانواده او وارد می‌امد (اکبری، ۱۳۸٤، ص ۸۷). در حرمت اضرار معنوی جای شک نمی باشد ولی در تقویم واندازه گیری بهای آن به صورتی که امروزه در حقوق غرب مطرح وموردعمل است جای تردید وتامل وجود دارد. زیرا خسارات معنوی قابل اندازه گیری به پول نمی باشد و از طرف دیگر دامنه خسارت دیدگان در خسارات معنوی نامحدود است. بنابراین بهتر است تا راهکاری جهت جبران این خسارات علاوه بر دیه پرداختی که در اثر صدمات جسمی به افراد معلول پرداخت می‌شود در نظر گرفته شود تا حریم روحی افراد معلول وحیثیت آنان حفظ شود.

به اعتقاد نگارنده اساساً خسارات معنوی نه قابل اندازه‌گیری هستند و نه آنکه به مانند خسارات مادی با پرداخت وجوهی قابل تدارک است، بلکه حاکم و قاضی چنانچه منشاء ورود خسارات معنوی را جانی بداند و عامل آنرا بی مبالاتی وی تشخیص دهد، می‌تواند جهت تشفی خاطر مجنی‌علیه و اولیای وی از راهکارهایی مانند پرداخت خسارات به فرد آسیب دیده توسط جانی ودر

صورت عدم توانایی پرداخت جانی از طریق صندوق مخصوصی جهت کمک دولت به افراد معلول، استفاده کند، زیرا جایز نیست که در مورد این اشخاص،تنها به پرداخت دیه بسنده نمود. مثلاً درد جسمی که به زیاندیده وارد شده یا رنج روحی یا روانی که برای شخصی حادث شده، یا محرومیت شخص از بعضی لذت‌ها که در زندگی وجود دارد، مثلاً حس چشایی یا بویایی که اصطلاحاً این موارد را تجاوز به کیفیت زندگی می‌نامند، همه و همه می‌تواند تا زمانی که فرد زنده است با او همراه باشند.

لازم به ذکر است قانون مسئولیت مدنی از خسارت معنوی تعریفی ارائه نداده است اما به طور کلی زیان‌های معنوی همان صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی است. مانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی، از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ١٤٤). البته در مورد امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی میان حقوقدانان اختلاف وجود دارد. مخالفان این نوع خسارت مطالبه آن را از لحاظ نظری، فنی و اخلاقی مقدور ندانسته‌اند. از لحاظ نظری چون خسارت معنوی قابل تقویم به پول نیست و تادیه پول نمی‌تواند موجب جبران این نوع خسارت شود و از نظر فنی امکان تعیین میزان چنین خسارتی وجود ندارد چون قابل ارزیابی به پول نمی‌باشد و از لحاظ اخلاقی نیز ناگوار و زننده است که متالم از خسارت معنوی اقدام به طرح دعوی نموده و درد و رنج و ناراحتی خود را با پول مطالبه کند (حسینی نژاد، ١٣٨٦، ص ٧١). اما به تدریج این طرز تفکر تضعیف شد و حقوقدانان به این نکته توجه کردند که پرداخت ضرر و زیان معنوی هر چند به طور کامل اعاده حیثیت و اعتبار نمی‌کند لیکن تا اندازه‌ای ناراحتی‌های مجنی علیه را کاهش می‌دهد و موجب کاهش این نوع از ضررها می‌شود. مضافاً با اینکه امروزه ارزش و اهمیت زیان معنوی گاهی به مراتب بیشتر از ضررهای مادی است لذا نمی‌توان ضرر و زیان معنوی را نادیده گرفت و اعتبار و حیثیت افراد را بلا دفاع گذاشت (آخوندی، ۱۳۸۹، ص ۳۱۵).

همانطور که گفته شد ضرر معنوی زیانی است که به معنویات انسان از قبیل احساسات، شهرت یا اعتبار او وارد می‌آید. با توجه به این که ضرر معنوی قابل لمس نیست، لذا قابل اندازه گیری مادی نمی‌باشد و هر تصمیمی در این باره، مبتنی بر حدس و گمان است و شرافت و احساسات انسانی چون از جنس مادیات نیست، لذا قابل جبران به پول نیست و هیچ ما به ازاء مادی ندارد. بنابراین با توجه به آنچه که گذشت، می‌توان گفت نقصانی که در اموال و منافع و سلامت و حیثیت و عواطف و موقعیت حقوقی اشخاص به وجود آید، چنانچه جنبه مادی داشته باشد ضرر مادی و چنانچه جنبه معنوی (مانند آبرو و حیثیت اشخاص) داشته باشد، ضرر معنوی محسوب می‌شود.

در خصوص اینکه آیا عدم مناسب‌سازی منطقی می‌تواند موجب تحقق خسارت معنوی گردد، باید گفت که بی‌تردید چنین امری منجر به بروز ترس، نگرانی، فشارهای عصبی و حتی رنجش عاطفی و احساسی می‌شود. شاید پذیرش این مسأله، برای کسی که این موقعیت را تجربه نکرده، چندان آسان نباشد. اما فرد معلول یا جانبازی که می‌داند با پای نهادن به کوچه و خیابان به استقبال خطرات متعددی از قبیل حرکت سیل‌آسای اتومبیل‌هایی که رانندگان آنها هیچ توجهی به وضعیت خاص او ندارند، وجود حفره‌ها و حتی چاه‌های حفاظت نشده، عدم وجود سطوح شیب‌دار که او را وا می‌دارد که حتی اگر پای رفتن نیز داشته باشد به سختی پله‌های متعددی را طی کند، همه این‌ها موجب نگرانی و فشارهای فراوانی بر فرد معلول خواهد شد. از سوی دیگر در جاهایی که حرکت فرد معلول با کمک رهگذران میسر می گردد، مانند عبور فرد نابینا از خیابانی عریض، رفتن فردی که در صندلی چرخدار است به طبقه دوم ساختمانی از طریق پله‌ها و.... که گاه همراه با الفاظ و حرکاتی است که موجب تحقیر او شده و آسیب شدید عاطفی را به او وارد می‌کند، وی متحمل خسارات معنوی می شود.

با توجه به آنچه گفته شد باید اذعان نمود در خصوص زیانهای ناشی از عدم مناسب سازی محیط ،پیدا نمودن مصداقی که بتواند نشان دهنده ی زیان معنوی باشد آسان است ومهمترین مواردی که می‌توان برای ضرر معنوی در خصوص زیان‌های فوق بیان نمود،لطمه به عواطف و ایجاد تألم و تأثر روحی می‌باشد که شخص معلول و جانباز با از دست دادن موقعیت‌های اجتماعی به دلیل محرومیت از امکانات مختلف و نیز عدم امکان مشارکت بیشتر در فعالیتهای اجتماعی با لحاظ وجود برخی موانع به خصوص در نحوه طراحی، معماری و شهرسازی بسیاری از فضاهای شهری، به ویژه معابر عمومی، پارکها و فضاهای سبز با آن رو به رو می‌گردد. به هر روی، نسبت به اینکه در اثر عدم مناسب‌سازی، فرد دچار معلولیت در معرض فشارهای روانی و عاطفی قرار می گیرد، نباید تردید کرد.

گفتار سوم: خسارات جسمانی

یکی از نکات مهمی که در خصوص این خسارات مطرح می‌باشد آن است که مراد از خسارات جسمانی چیست؟ و به عبارت دیگر آیا خسارات مورد نظر دارای عناوین مشخص و محدود هستند؟ به موجب قانون مسؤولیت مدنی که قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسید، مطابق مواد ٦ و ۵، ۲، ۱ قانون مذکور در مواقع بروز صدمات بدنی، خسارت‌های وارده به شرح زیر که متوجه مجنی علیه شده باشد، قابل مطالبه بوده است:

الف) هزینه معالجه

ب) خسارت از کارافتادگی

ج) افزایش مخارج زندگی

د) خسارت معنوی

و اگر صدمه بدنی منجر به مرگ شخص آسیب دیده می‌شد «کلیه هزینه‌ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن» بر عهده وارد کنندهٔ صدمه بود و اگر مرگ فوری نبود «هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب می‌شد» (حیدری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳). لازم به ذکر است که مواد قانونی مذکور در شرایطی است که اساساً چیزی به نام پرداخت دیه در قوانین سابق مطرح نبوده است، لذا پرداخت دیه بر اساس قوانین جدید قطعاً در برگیرنده و پوشش دهندهٔ برخی خسارات وارده خواهد بود.اما سئوالی که مطرح است این است که ایا دیه می‌تواند تمام خسارات فوق الذکر را پوشش دهد؟ وجه اشتراک همه این زیانها که به طور کلی در ۲ دسته معنوی ومادی قرار می‌گیرند این است که در چنین مواقعی که بر اساس قانون دیات به اشخاص مذکور دیه تعلق می‌گیرد آیا فرد زیاندیده می‌تواند جبران خسارات مازاد بر دیه مقدر ویا غیرمقدر را ،نیز از دادگاه بخواهد؟ تا قبل از حاکمیت مقررات دیات در کشور بر اساس قانون مسؤولیت مدنی آسیب دیدگان از صدمات بدنی می‌توانستند کلیهٔ خسارت‌هایی را که از ناحیه صدمه به آن‌ها وارد شده بود، اعم از هزینه معالجه، خسارت از کار افتادگی، افزایش هزینه زندگی و ... را از صدمه زننده مطالبه کنند. اما با تصویب مقررات دیات در سال ۱۳٦۱ و تعیین مقادیر ثابتی از دیه برای صدمات مختلف بدنی، از قتل گرفته تا ضرب و جرح، نقص عضو و ... این سؤال مطرح شد که آیا باوجود تعیین دیه شخص صدمه دیده می‌تواند سایر ضرر و زیان‌های ناشی از صدمه بدنی را مطالبه کند یا خیر؟

به عبارت دیگر آیا موارد ٤ گانه بالا را می‌توانیم به عنوان مصادیق خسارات مازاد بر دیه در نظر گرفت و علاوه بر پرداخت دیه،جانی ویا عامل واردکننده زیان را ملزم به پرداخت همه خسارات وارده اعم از مادی و یا معنوی نمود؟ آن چه باعث اهمیت یافتن مسئلهٔ مزبور شده بود این که دیه پرداختی به قربانیان صدمات بدنی، که بعضاً منجر به تشدید معلولیت معلولان و جانبازان می‌شود باتوجه به شیوه‌ای که در دادگاه‌ها برای تعیین دیه اعمال می‌شد، در اکثر موارد قادر به جبران هزینه‌های سنگین معالجه و بیمارستان نبود و آن‌ها ناچار بودند با تحمل رنج و مشقت فراوان، خود از عهدهٔ این هزینه‌ها و سایر خسارت‌هایی که از ناحیه صدمه بدنی به آن‌ها وارد شده بود بر آیند. ناگفته نماند که چنین وضعی در عمل موجب ناامیدی و نارضایتی قربانیان صدمات جسمانی، نسبت به دستگاه قضایی نظام اسلامی می‌گردید. در هر حال موضوع مشروعیت یا عدم مشروعیت لزوم جبران خسارت‌های ناشی از صدمات جسمانی به افراد معلول، علاوه براینکه شالوده اصلی این بخش را تشکیل می‌دهد، در طول سال‌های گذشته همواره مورد بحث محافل حقوقی و قضایی نیز بوده و هم‌چنان هم در رأس مسائل و مشکلات اجرایی مواد قانونی دیات مطرح می‌باشد.اما قبل از انکه به این موضوع یعنی مبانی خسارات مازاد بر دیه و دیدگاه موافقان ومخالفان ان بپردازیم، توضیحاتی پیرامون شیوه‌های جبران خسارات معلولان و جانبازان ارائه خواهیم کرد.

مبحث دوم: شیوه‌های های جبران خسارات معلولان و جانبازان

این مبحث شامل دو گفتار می‌باشد.

گفتار اول: شیوه‌های معمول جبران خسارات

پس از تعیین انواع خسارات وارده به معلولان و جانبازان حال نوبت به نحوه ی جبران خسارت می‌رسد. اینکه چگونه از زیان دیدگان جبران خسارت شود نیز یکی از بحث‌های مطرح در حقوق مسؤولیت مدنی است. جبران خسارت در قواعد عام به دو شیوه صورت می‌گیرد: جبران عینی و جبران بدلی (حاجی‌عزیزی، ۱۳۸۰، ص ٤۵). جبران عینی[3] یا برگرداندن وضع زیان دیده به صورت پیشین و امحای زیان، یعنی اینکه ضرر وارد شده چنان

3 . Restitution

تدارک شود که گویی از اصل زیان وارد نشده است. این نوع جبران زیان، کامل ترین شکل آن به شمار می‌آید، زیرا سبب می‌شود که ضرر وارده به طور کامل منتفی شود.

به همین دلیل است که مسؤول حادثه و زیان می‌تواند آن را به زیان دیده تحمیل کند و باز به همین دلیل هر بار که امکان داشته باشد، زیان دیده می‌تواند اجرای آن را خواستار شود (لوراسا، ۱۳۷۵، ص۱۵۰). به عنوان مثالی از جبران عینی در حقوق ما، میتوان از ماده ۳۲۹ ق.م نام برد. این ماده می‌گوید: « اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید...» حکم این ماده ناظر به اتلاف ساختمان است، ولی قاعده‌ای است عادلانه که می‌توان آن را در هر مورد که شخصی مورد نقص یا عیب مالی قرار می‌گیرد اجرا کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ٦٧٩). تا زمانی که جبران عینی امکان دارد باید به همان شیوه جبران خسارت صورت گیرد و درصورت عدم امکان جبران عینی، جبران خسارت بدلی انجام می‌شود و آن هم بر حسب قاعده تقدم مثل بر قیمت (جعفری تبار، ۱۳۸۵، ص ٣٤).

گفتار دوم: جبران خسارات جسمانی در قالب خسارات مازاد بر دیه

مطالب این گفتار در دو بند تبیین می‌گردد.

بند اول: عدم جواز مطالبه خسارات مازاد بر دیه

طرفداران این دیدگاه بر این عقیده‌اند که در شریعت اسلام برای جنایات مختلف اعم از جنایات بر نفس و در اغلب جنایات بر اعضاء پرداخت مقدار معینی از مال مقرر شده است و شارع مقدس هم در زمان تقدیر دیات در مقام بیان حکم بوده است و در این بیان هیچ‌گونه اشاره‌ای به خسارات مازاد بر دیه نشده است، بنابراین مطالبه خسارات مازاد بر دیه برخلاف نصوص وارده بوده و وجه شرعی برای آن قائل نیستند. این گروه معتقدند که اگر بحث خسارات مازاد بر دیه مشروعیت داشت، باید در بیان شارع مقدس ذکر می‌شد. دلیل دیگری که برای عدم مشروعیت مطالبه و دریافت خسارات مازاد بر دیه ارائه شده آن است که تعیین و محاسبه دقیق خساراتی که در اثر جنایت بر نفس یا اعضاء ایجاد شده برای انسان‌ها امکان پذیر نیست، بنابراین باید به همان مقادیری تن داد که شارع آن را تعیین نموده است.

نکتهٔ دیگری که از بیانات این گروه برمی‌آید آن است که در زمان شارع نیز چه بسا دیه مقدر جبران تمامی خسارات وارده به مجنی‌علیه و اولیای وی را نمی‌کرد، اما در جایی از متون روایی مشاهده نمی‌کنیم که در آن زمان چیزی به نام خسارات مازاد مطرح و مطالبه شده باشد، لذا اگر در یافت خسارات مازاد بر دیه مشروعیت داشت باید در زمان شارع هم مد نظر قرار می‌گرفت.

در بررسی ادلهٔ این گروه می‌توان اذعان نمود که درست است در کلام شارع چیزی به عنوان مازاد بر دیه نیامده است، اما این بدان معنی نیست که در آن زمان با چنین پدیده‌ای مواجه بوده‌اند و در عین حال این میزان دیه را مقرر داشته‌اند، بلکه به نظر می‌رسد که ضرر و زیان وارده به جسم و جان انسان از هر جهت و به ویژه از نظر میزان خسارات تابع شرایط اجتماعی و اقتصادی بوده به طوری که نمی‌توان گفت میزان مقرر در کلام معصومین علیهم‌السلام نسخه‌ای بوده که برای همه ازمنه و امکنه به طور یکسان پیچیده شده است. به عنوان مثال درآن زمان قطعاً در باب معلولیت وآثار ناشی از آن حکمی وجود نداشته تا بتوان نسبت به خسارات آن نظر داد.حداقل آن است که این موضوع به عنوان مسئله مستحدثه‌ای است که عبارات ائمه علیهم‌السلام در این خصوص ساکت است، لذا می‌توان به قواعد عمومی و کلی موجود در متون دینی مبنی بر لزوم جبران تمامی خسارات وارده به دیگران استدلال نمود. حضرت آیت‌الله گلپایگانی (ره) از جمله فقهایی است که به دریافت خسارات مازاد بر دیه نظر مثبت نداده‌اند.(گلپایگانی،بی تا:۲٤۹) حضرت آیت الله گلپایگانی (ره)، در پاسخ این سوال که:

رانندهٔ ماشین در خیابان شهر به پسر بچه‌ای زده و استخوان پای بچه شکسته و بچه هم ولی ندارد و شخص دیگر او را بزرگ کرده و سرپرست او است و راننده تعهد کرده خسارت پای بچه را جهت معالجه دکتر و دارو را هم بپردازد و امید بهبودی پای بچه بزودی هست در این صورت علاوه بر خساراتی که راننده می‌پردازد دیه هم باید بدهد یا نه و بر فرض وجوب دیه چقدر باید بدهد؟

چنین فرمودند: «دیهٔ شکستن استخوان پا اگر معیوب شود به طلا صد دینار است و اگر کاملاً سالم و بی‌عیب شود هشتاد دینار و هر دیناری هجده نخود و فرقی بین بزرگ و بچه نیست و در جراحات از سمحاق به بالا علاوه بر دیه مخارج دیگر راجانی ضامن نیست و در سمحاق و پایین‌تر از سمحاق در اجرت طبیب بین جانی و مجنی علیه مصالحه شود.»

سید محمد صادق روحانی در پاسخ به سؤالاتی راجع به خسارات مازاد بر دیه آورده‌اند:

«در مواردی که شارع مقدس دیه تعیین فرموده است چیز دیگری بر جانی لازم نیست. حکومت هم نمی‌تواند بر دیه قانونی وضع کند که جانی ملزم باشد به پرداخت چیزی غیر از دیه و ارش که همان دیه است در مواردی که مقدار آن تعیین نشده باشد» (روحانی، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

دکتر ابوالقاسم گرجی نیز علی‌رغم آن که ماهیت دیات را جبران ضرر و زیان ناشی از جنایت معرفی کرده است، در مورد پرداخت خسارات مازاد بر دیه توسط جانی اینگونه می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که در دیه‌های معین مثل دیهٔ نفس و دست و پا و چشم که مقدار دیه را شارع با توجه به جمیع خسارت‌ها ملحوظ داشته و اندازه‌اش را معلوم کرده است دیگر جانی نباید چیزی اضافه بر مقدار دیه ادا کند و در کلام فقها هم به هیچ‌وجه به لزوم پرداخت خسارات اضافی اشاره‌ای نشده است» (گرجی، ۱۳۸۰، ص ۵۲).

اما نگارنده می‌گوید که اولاً این ادعا که شارع با ملحوظ داشتن جمیع خسارت‌های وارده به مجنی علیه یا اولیای وی مقدار دیه را تعیین کرده باشد به طوری که آن مقدار معین بتواند در همهٔ زمان‌ها و شرایط پاسخگوی کلیهٔ هزینه‌هایی که با اقدام جانی بر مجنی‌علیه ویا اولیای او تحمیل می‌شود باشد نیاز به اثبات دارد، در حالی که چنین چیزی ثابت نیست. چطور ممکن است با پرداخت دیه، فرد معلولی را که دچار نقص دیگری نیز در اثر عدم مناسب سازی می‌شود بتوان کلیه خسارات اورا ملحوظ وجبران شده دانست؟ همچنین صرف این که لزوم پرداخت خسارات اضافی در کلام فقهای پیشین نیامده است، دلیلی بر مشروعیت نداشتن و عدم لزوم پرداخت آن نیست زیرا قطعاً در آن زمان خساراتی که امروزه در اثر پیشرفت‌های بشری مانند ساختمان سازی و حمل و نقل و... به انسانها وارد می‌شود،نه تنها وجود نداشته بلکه قابل تصور نیز نبوده است،چه رسد به اینکه بتوان مسئولت مدنی ناشی از آن را که بر افراد معلول و جانباز بر اثر مناسب نبودن ایجاد می‌شود تبیین نمود.

به علاوه آن که در قسمت دیگر در مورد جراحاتی که دیهٔ آن‌ها از سوی شارع تعیین نشده است و باید با نظر حاکم و قاضی ارش و حکومت دریافت کرد، آورده‌اند: «حاکم با توجه به ضوابط شرعی و در نظر گرفتن خسارت‌های وارد شده، مقدار مالی را که مرتکب باید ادا کند تعیین می‌نماید و جانی ملزم است آن را بپردازد و در آن به مخارجی چون هزینهٔ مداوا و درمان اشاره‌ای نمی‌شود، بلکه همهٔ اینها جمعاً در مبلغی معین ملحوظ می‌گردد که مرتکب می‌پردازد» (گرجی، ۱۳۸۰، ص ۵۷).

با توجه به نوشتار مذکور ایشان بین جراحت‌هایی که در آن شارع دیه‌ای تعیین کرده باشد و غیر آن تفاوت قائلند و در جراحت‌هایی که دیه آن تعیین نشده است، اعتقاد به پرداخت خسارات مازاد را دارند (گرجی، ۱۳۷۲، ص ۷٤). حال باید پرسید که چه تفاوتی بین این دو حالت وجود دارد که حکم متفاوتی صادر شده است؟ اگر بگویند که اولی دیهٔ معین دارد، لذا دست ما برای در نظر گرفتن خسارت مازاد بسته است، اما در دومی چیزی معین نشده است و محاسبه مبلغی که جانی باید بپردازد به عهده ما گذاشته شده است، قابل پذیرش نیست؛ چرا که در نحوهٔ محاسبهٔ ارش، فرد را با بنده مقایسه می‌کنند و ارزش وی را در حالت سلامت و حالت با جراحت می‌سنجند و ما به التفاوت مبلغی است که جانی باید بپردازد. در اینجا هزینه‌های جانبی مطرح نیست، مگر این که بخواهیم فرمول محاسبه أرش را تغییر بدهیم که البته آن هم جای بحث دارد. همچنین در قسمت پایانی کلامشان گفته‌اند:«در مبلغ تعیین شده به مخارجی چون هزینهٔ مداوا و درمان اشاره‌ای نمی‌شود.» آیا واقعاً صرف اشاره نکردن در انشاء حکم قاضی به موارد مذکور چیزی را عوض می‌کند؟

بند دوم: جواز مطالبهٔ خسارات مازاد بر دیه

مطابق این دیدگاه چنانچه خسارات وارده بیش از میزان تعیین شده به عنوان دیه باشد باید جانی از عهدهٔ آن برآید. از جملهٔ فقهایی که بر این عقیده‌اند آیت الله مکارم شیرازی است که تأدیهٔ خسارات مازاد بر دیه توسط جانی را لازم دانسته‌اند، چرا که نوشته‌اند: «در دیهٔ اعضاء هرگاه هزینهٔ درمان بیش از مقدار دیه باشد، به عقیدهٔ ما لازم است این تفاوت را شخص جانی بپردازد؛ زیرا مطابق اصل «لاضرر» که هم می‌تواند نفی حکم کند و هم اثبات حکم، باید این زیان از دوش مجنی علیه برداشته شود و چون عامل زیان جانی بوده موظف به پرداخت آن است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۱).

آیت‌الله سید محمدحسن مرعشی نیز بر اساس آنچه از مقاله‌ای تحت عنوان «دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم» مستفاد است (مرعشی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۲). معتقدند که مطالبه خسارات مازاد بر دیه کاملاً با موازین شرعی و

قواعد فقهی منطبق است و در این خصوص به چهار دلیل تمسک جسته‌اند که بنای عقلا در رأس آن ادله قرار دارد و طی آن بیان می‌دارند، عقلا اتلاف مال و جان غیر را موجب ضمان و آن را عدل می‌دانند. هر آنچه را که عقلا عدل و نیکو بدانند شرع نیز به نیکویی آن حکم می‌کند. پس شارع مقدس که چون خود از عقلا بلکه رئیس عقلا است و همچنین عادل است اتلاف مال یا جان غیر را موجب ضمان می‌داند.

علاوه بر این، ایشان به قواعد فقهی لاضرر، لاحرج و تسبیب نیز استدلال کرده‌اند که به نظر نگارنده این مقاله استدلال‌های چهارگانه جایگاه اثباتی برای این ادعا را دارد که خسارات مازاد بر دیه قابل مطالبه هست.

نتیجه گیری و جمعبندی

امروزه بسیاری از معلولان قربانی تبعیضات ناروا می‌شوند. طی دهه‌های اخیر گام‌های جدی جهت رفع انواع تبعیض علیه معلولان برداشته شده است. در حوزه مسئولیت مدنی، هم حقوقدان و هم قاضی باید در اندیشه جبران زیان‌های قربانیان تبعیض ناروا باشند. یکی از مهم‌ترین حقوق بنیادین بشر حق تردد و آمد و شد است. افراد معلول نیز حق زندگی در این جهان را دارند. برای دستیابی به این مهم، انجام مناسب‌سازی منطقی حائز اهمیت فراوان است. کسانی که با زیر پا نهادن قوانینی که مناسب سازی منطقی را ضروری می‌دانند، امنیت تردد و حضور معلولان در جامعه را به مخاطره می‌افکنند، علاوه بر ضمانت اجراهای اداری یا کیفری، باید در صورت ایراد آسیب، آن را جبران کنند.بنابراین نحوه جبران خسارات جانبازان و معلولان که در اثر عدم مناسب سازی محیط دچار خسارت شده اند حائز اهمیت فراوان است.در این تحقیق دریافتیم که این اشخاص با استناد به مبانی فقهی و قانونی،حق دریافت سه دسته از خسارات یعنی،مادی،معنوی و جسمانی را دارند و علاوه بر استفاده از طرق معمول جبران خسارات یعنی اعاده وضع به حالت پیش از بروز خسارت و نیز دریافت دیه، می‌توان چنانچه خسارات وارده بیش از میزان تعیین شده به عنوان دیه باشد جانی را مجبور نمود که از عهدهٔ آن خسارات به عنوان مازاد بر دیه نیز برآید.زیرا اگر چه در روایات وارده راجع به دیات به خسارات مازاد بر دیه اشاره نشده و در این مورد موضوع مسکوت مانده است، اما بر اساس قاعدهٔ عقلی و شرعی که حکایت از مسؤول بودن همهٔ انسان‌ها در مقابل افعالشان دارد و با استناد به قواعد فقهی مانند قاعدهٔ «لاضرر»، قاعده «اتلاف» و همچنین قاعده «تسبیب» می‌توان حکم قابل مطالبه‌بودن خسارات مازاد بر دیه را در حد خسارات قطعیهٔ متعارف عادلانه دانست. همچنین نگارنده با استفاده از قاعدهٔ اولویت بر این عقیده است که وقتی در ورود خسارات مالی بر تدارک همهٔ زیان‌های وارده حکم می‌شود، دربارهٔ خساراتی که به جسم و جان افراد وارد می‌شود به طریق اولی جبران همهٔ خسارات ولو آنکه بیش از دیهٔ مقدر باشد، لازم و ضروری است.

منابع و ماخذ

۱. موسی الرضا (۱۳۸٤) مسئولیت جبران خسارت معنوی در ایران، مجله دادرسی، شماره۵۲.
۲. آخوندی، محمود (۱۳۸۹) آئین دادرسی کیفری، وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی، چاپ پنجم.
۳. آرمیده، سیاوش (۱۳۹۲) بررسی فقهی و حقوقی چالش‌های جبران خسارت ناشی از ایجاد معلولیت در حوادث، فصلنامه علمی تخصصی تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره۸.
٤. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۱) ضمان قهری مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول.
۵. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۵) مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، نشر دادگستر، چاپ پنجم.
٦. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲) ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و پنجم.
۷. حاجی عزیزی، بیژن (۱۳۸۰) شیوه‌های جبران خسارت در مسؤولیت مدنی و کارایی آنها، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس.
۸. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸٦) مسئولیت مدنی، انتشارات مجد، چاپ چهارم.
۹. حیدری، عباسعلی (۱۳۸۵) قابل مطالبه بودن خسارات مازاد بردیه، مجله فقه و مبانی حقوق دانشگاه ازاد بابل، شماره۵.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا،

انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید.
۱۱. رحمانی، مهدی (۱۳۹۰) حقوق کودکان معلول، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، گرایش خصوصی، پردیس بین الملل.
۱۲. رسولی، حامد (۱۳۹۰) کنوانسیون حقوق معلولان و تطبیق با قوانین داخلی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، گرایش خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد.
۱۳. روحانی، سید محمد صادق (۱۳۷۸) استفتائات قضائیه، ناشر: چاپخانه سپهر، چاپ اول.
۱٤. علوی، سیدامین ا...وکابلی، رشید (۱۳۸۲) اشتغال معلولان، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
۱۵. کمالی، محمد و ایران، فریبا (۱۳۸۲) مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت، مجله رفاه اجتماعی، شماره۷.
۱٦. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲) الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۷. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۲) مقالات حقوقی، ضمان عاقله، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۰) دیات، ناشر: مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۹. گزارش وضعیت مناسب‌سازی محیط شهری (۱۳۸٦) تهیه و تنظیم: دبیرخانه ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب سازی محیط فیزیکی افراد معلول.
۲۰. گلپایگانی، محمدرضا (بی تا) مجمع المسائل، دارالقرآن الکریم- قم، چاپخانه امیر.
۲۱. لوراسا، میشل (۱۳۷) مسئولیت مدنی، ترجمه دکتر محمد اشتری، تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول.
۲۲. مرعشی، سید محمد حسن (۱۳۷۹) دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲) نظرخواهی از فقها پیرامون مسائل فقهی و حقوقی، فصلنامه رهنمون (نشریه مدرسه عالی شهید مطهری)، شماره ٤ و ۵.
۲٤. میرخانی، سیدمجید (۱۳۸۵) مبانی توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ دوم.